دوفصلنامه علمی تخصصی
اندیشه‌های قرآنی متفکران معاصر
سال سوم، شماره چهارم، پاییز و زمستان ۱۴۰۴

# بررسی روش و مبانی تفسیری «تسنیم» آیت‌الله جوادی آملی

خدیجه زینی‌وندنژاد[۱]

## چکیده

**مسئله اصلی** پژوهش اینکه روش‌شناسی تفسیر، با زیربنای روشنی از خطوط فکری و ذهنی مفسر از راه‌های متقن، ارزیابی یک تفسیر به شمار می‌آید. ازجمله تفاسیر قرآن به قرآن در عصر کنونی، تفسیر «تسنیم» آیت‌الله جوادی آملی می‌باشد که هدف مفسر از نگارش آن، تکمیل ناگفته‌ها و لطایفی است که اغلب در تفسیر المیزان به آن پرداخته نشده است. این مهم مفسر را بر آن داشت المیزانی فارسی با همان سبک و سیاق و با همان مبانی بنگارد. بدین منظور در این پژوهش، مؤلف ابتدا به شناسایی مبانی و پیش‌فرض‌های فکری مفسر، همچون اعتقاد به اعجاز قرآن، اعتقاد به مصونیت قرآن از تحریف، اعتقاد به حجیت ظواهر قرآن، اعتقاد به ظاهر و باطن برای قرآن، اعتقاد به جهانی بودن قرآن و... پرداخته است و سپس به بیان برخی از قواعد تفسیری، همچون گزیده تفسیر به جای ترجمه آیات، بهره‌گیری از علوم ادبی در تبیین آیات، و پاسخ به شبهات روز ذیل بعضی از آیات همت گماشته است تا به کمک آن به روش تفسیری قرآن به قرآن در تفسیر «تسنیم» نائل آید که این مهم، پژوهشی کتابخانه‌ای به روش توصیف و تحلیل را می‌طلبد.

**واژگان کلیدی:** جوادی آملی، تفسیر تسنیم، مبانی تفسیر، قواعد تفسیری، روش تفسیر.

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران؛ zeinivand.khadije@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۹/۲۹ تاریخ پذیرش:۱۴۰۵/۳/۱۱

## ۱. بیان مسئله

روش‌شناسی تفسیری تسنیم با تمرکز بر قواعد تفسیر قرآن به قرآن و پیوند مبانی فکری مفسر، دریچه‌ای نوین برای تحلیل معارف قرآنی باز می‌کند. ازجمله چالش‌های ورود به این حوزه، شناخت دقیق پیش‌فرض‌های فکری آیت‌الله عبدالله جوادی آملی و همچنین قواعد تفسیری مورد استفاده ایشان است که شامل اعتقاد به اعجاز قرآن، مصونیت کتاب الهی از تحریف، جهانی بودن پیام قرآن و حجیت ظواهر و بواطن آیات می‌باشد. پژوهش حاضر قصد دارد ضمن بررسی این مبانی، به تحلیل قواعد تفسیری نظیر بهره‌گیری از علوم ادبی در توضیح آیات و پاسخ‌گویی به شبهات روز بپردازد و روش تفسیری قرآن به قرآن در تفسیر تسنیم را به‌صورت تفصیلی مورد مطالعه قرار دهد.



### ۱-۱. ضرورت پژوهش

شناخت مبانی و پیش‌فرض‌های فکری مفسران می‌تواند به فهم دقیق‌تر و گسترده‌تر معارف قرآنی کمک کند. نظر به اهمیت تفسیر تسنیم آیت‌الله جوادی آملی در تکمیل نقصان‌های تفسیر المیزان، پژوهش حاضر تلاش دارد زوایای روش‌شناسی قرآن به قرآن در این تفسیر را بازشناسی کند. باتوجه‌به جهانی بودن قرآن کریم و پاسخ‌گویی آن به نیازها و شبهات روز، ضروری است که قواعد تفسیری و شیوه‌های کاربردی در تفسیر آیات قرآن، مطابق با مسائل روز مورد ارزیابی قرار گیرد. این امر به پژوهشگران علوم دینی کمک می‌کند تا بتوانند از این روش تفسیری، در مواجهه با چالش‌های فکری و معنوی عصر حاضر استفاده نمایند.

### ۱-۲. پیشینه پژوهش

تفسیر قرآن به قرآن یکی از روش‌های معتبر و شناخته‌شده در حوزه علوم قرآن و تفسیر است که مبنای آن بر ارتباط و پیوستگی داخلی آیات قرآن کریم استوار است. ازجمله تفاسیر برجسته در این زمینه، تفسیر المیزان علامه طباطبایی است که در قرن اخیر به‌عنوان مرجع مهمی برای پژوهشگران علوم دینی شناخته شده است. آیت‌الله جوادی آملی با نگارش تفسیر تسنیم تلاش کرده است ابعاد و لطایفی از معارف قرآنی را که در تفسیر المیزان به طور کامل مورد بررسی قرار

دوفصلنامه علمی تخصصی، سال سوم، شماره چهارم، پاییز و زمستان ۱۴۰۴

نگرفته است، تکمیل و توسعه دهد. سبک و سیاق تفسیر تسنیم در ادامه روش قرآن به قرآن علامه طباطبایی است، اما با رویکردی فارسی و برخی مبانی تفسیری خاص، به‌عنوان یک اثر ارزشمند در حوزه علوم تفسیری جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است.

## ۲. مبانی نظری پژوهش

تفسیر تسنیم آیت‌الله جوادی آملی با همان شیوهٔ المیزان نگارش یافته و مفسر امیدوار است این تفسیر فارسی المیزان نباشد، بلکه المیزان فارسی باشد (حیدری‌فر، ۱۳۸۹). لازمهٔ اثبات این امر، ازطرفی تشریح مبانی فکری مفسر و تأثیر آن بر کیفیت تفسیر و از سوی دیگر، بررسی قواعد مندرج در آن به‌منظور دستیابی به شیوه و روش تفسیری ایشان در تسنیم می‌باشد. ازطرفی پیشینه مرتبط با عنوان مقاله، در پژوهش‌های ذیل موردبررسی قرار گرفته است: «تحلیل شناختی مفهوم آیه در تفسیر تسنیم» اثر شیما حمیدی؛ «تطبیق گونه‌های معناشناختی روایات تفسیری بر تفسیر آیت‌الله جوادی آملی» از امیر بنی‌عصار؛ «حجیّت روش تفسیری قرآن به قرآن با تأکید به روایات عرض در تفسیر تسنیم» اثر مجید معارف و محمدامین تفضلی؛ «روش تفسیری قرآن به قرآن در آراء آیت‌الله جوادی آملی» نگاشته محمدامین تفضلی و مجید معارف؛ و «بررسی مقایسه‌ای روش و رویکرد تفسیری شهید مطهری و آیت‌الله جوادی آملی و تأثیر دیدگاه‌های علامه طباطبایی بر ایشان» به قلم محسن قاسم‌پور و رضوان خسروی. در راستای پژوهش‌های یادشده، لزوم ارائهٔ مقاله‌ای با عنوان «بررسی روش و مبانی تفسیری تسنیم آیت‌الله جوادی آملی» به چشم می‌خورد. درنتیجه، مؤلف بر آن شد تا با طرح سؤال «آیا روش تفسیر تسنیم آیت‌الله جوادی آملی، همان روش تفسیر قرآن به قرآن همچون المیزان است؟» به اثبات یا ردّ فرضیه و پرسش یادشده بر اساس مبانی و قواعد منتج از آن مبانی بپردازد.

## ۳. مشخصات کلی تفسیر تسنیم

اولین گام در روش‌شناسی یک تفسیر، بررسی اجمالی فضای فکری و فرهنگی جامعه بر رویکرد تفسیری مفسر است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

### ۳-۱. زندگی‌نامه مفسر

آیت‌الله عبدالله جوادی آملی در سال ۱۳۱۲ش در آمل در عصر پهلوی اول به دنیا آمدند. پس از اتمام دوره دبستان، عازم حوزهٔ علمیه آمل شدند و از آنجا به‌قصد ادامه تحصیل، به حوزهٔ علمیهٔ مشهد عزیمت نمودند. در سال ۱۳۲۹ به‌عنوان طلبهٔ رسمی در مدرسهٔ مروی تهران پذیرفته شدند و سرانجام در ۱۳۳۴ به مدرسه فیضیه قم رهسپار و در آنجا در حدود ۲۵ سال از محضر علامه طباطبایی بهره‌مند گردیدند (مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۱، ص۱۸-۳۹). ایشان پس از اتمام تحصیلات، از سال ۱۳۵۵ در راستای نشر معارف الهی، به تدریس دروس مختلف حوزوی، نگارش ده‌ها جلد کتاب در زمینه‌های گوناگون ازجمله تفسیر، فلسفه، کلام، فقه و اصول (همان، ص۱۳۲-۱۳۳)، تأسیس مؤسسه تحقیقاتی اسراء به‌منظور پژوهش در رشته‌های مختلف علوم اسلامی و پاسخ‌گویی به شبهات موجود در اسلام اهتمام ورزیدند (همان، ص۲۳۹).

### ۳-۲. انگیزه مفسر

تحقق نظام اسلامی و آزادی دین از زندان بدعت و تحریف، مفسر را بر آن داشت تا با بهره‌گیری از بهترین اسلوب، معارفی را که مفسر المیزان به جهت فضای عصری ایشان مستور گذاشته بودند، باهدف تدوین تفسیری فارسی و با همان منهج آشکار نمایند و طبق گفتهٔ خویش، المیزانی به زبان فارسی تبیین نمایند (همان، ص۲۰).

### ۳-۳. معرفی اجمالی تفسیر تسنیم

تفسیر تسنیم از تفاسیر ترتیبی قرآن کریم، به زبان فارسی و با روش تفسیر قرآن به قرآن است که مفسر آن، از سه منبع اصلی، یعنی قرآن، سنت و عقل و علوم مختلفی ازجمله ادبیات عرب و کلام فلاسفه و عرفا برای بیان مراد خود بهره گرفته است. نام این تفسیر، از آیهٔ ۲۷ سوره مطففین الهام گرفته شده که نام چشمه‌ای در بهشت است. مفسر در ارائه مباحث تفسیر تسنیم، از ساختاری منظم بهره برده و به لحاظ محتوایی، از ویژگی‌های زیر استفاده کرده است:

الف) گزیدهٔ تفسیر: چکیدهٔ مباحث تفسیری و آینهٔ آنها.

ب) مفردات: شرح برخی واژگان دشوارفهم آیه، با استناد به منابع واژه‌پژوهی کهن.

ج) تناسب آیات: تبیین پیوند آیهٔ موردِ بحث با آیه یا آیات پیشین.

د) تفسیر: تبیین مباحث مرتبط با سِباق و سیاق آیه با آیات دیگر.

هـ) اشارات و لطایف: بیان مباحثی ورای واژگان و تعابیر آیات.

و) استفاده از منابع: رجوع مفسر به نزدیک به سی تفسیر از تفاسیر معتبر شیعه و اهل‌سنت (مدبر اسلامی، ۱۳۹۶، ص۲۵).

## ۴. روش‌شناسی تفسیر تسنیم

مبانی، جمع مبنا، از ریشهٔ «بنی» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج۱۴، ص۹۰) و در لغت به معنای ساخته‌شده (قرشی، ۱۳۷۵، ج۱، ص۲۳۲) و ضمیمه‌شده (مصطفوی، بی‌تا، ج۱، ص۳۴۰) به کار می‌رود. این واژه در اصطلاح به معانی ذیل آمده است:

الف) مبانی تفسیر قرآن به آن دسته از پیش‌فرض‌ها، اصول موضوعه و باورهای اعتقادی یا علمی گفته می‌شود که مفسر با پذیرش و مبنا قرار دادن آنها به تفسیر قرآن می‌پردازد (شاکر، ۱۳۸۲، ص۴).

ب) مبانی تفسیر، اصول بنیادینی است که هر نوع موضع‌گیری در خصوص آن، موجودیت تفسیر و یا قواعد روشن تفسیر را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بابایی، ۱۳۷۹، ج۱، ص۲۰).

ج) مبانی، شامل هرآنچه که مفسر آن را اساسی برای طرح مباحثش قرار می‌دهد (فاکر میبدی، ۱۴۲۸، ص۳۷). از قدر جامع این تعریف‌ها چنین برمی‌آید که مبانی، پیش‌فرض‌های ساختاری ذهن یک مفسر است که بر تفسیرش سایه می‌گستراند. از مبانی کاربردی در تفسیر تسنیم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

### ۴-۱. اعتقاد به اعجاز قرآن

مبحث تحدی و عجز انس و جن، یکی از انواع اعجازهای قرآنی و مبتنی بر کلیت و دوام است (جوادی آملی، ۱۳۸۶الف، ص۱۳۲). ذیل آیات بنیادینی که استاد جوادی آملی، مبانی تفسیر تسنیم را بر آن استوار می‌دارند، می‌توان به آیه ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (بقره:۲۳) اشاره کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۶ب، ج۲، ص۴۱۳). قیاس موجود در این آیه ناظر به تحدی قرآن است که اعجاز قرآن، به‌وسیله آن ثابت می‌گردد (همان، ج۱، ص۱۲۸).

### ۲-۴. اعتقاد به مصونیت قرآن از تحریف

نزاهت قرآن از تحریف، یکی دیگر از مبانی تفسیری است که صاحب تفسیر تسنیم بدان اعتقاد دارند. هرچند مسئلهٔ نزاهت قرآن از تحریف، با تفسیر رابطهٔ مستقیم ندارد، اما تفسیر قرآن با مصونیت قرآن از هرگونه تحریف معنا پیدا می‌کند. بنابراین ایشان در تألیف مستقلی با عنوان نزاهت قرآن از تحریف به ارائهٔ ادله عقلی و نقلی در این مجال پرداخته‌اند: ادلهٔ عقلی شامل ضرورت اتمام حجت و رابطه ناگسستنی اعجاز با عدم تحریف قرآن می‌شود (همان، ۱۳۸۴، ص۴۲-۴۳). ادله نقلی، شامل آیات حفظ (حجر:۹) و نفی باطل (فصلت:۴۱-۴۲)، حدیث ثقلین (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج۲۷، ص۲۰۴)، روایات مراجعه به قرآن در فتنه‌ها (کلینی، ۱۳۶۵، ج۲، ص۵۹۸)، روایات تلاوت سوره کامل در نماز (سمرقندی، ۱۴۰۵، ج۱، ص۱۲۹)، روایات فضایل و خواص سوره (طبرسی، ۱۳۷۲، ج۸، ص۶۴۶) و تواتر قرآن (سیوطی، ۱۴۲۱، ج۱، ص۱۷۷) است. هرچند محکم‌ترین دلیل نقلی بر نزاهت قرآن از تحریف، خود قرآن است؛ زیرا اگر قرار بود دست کسی به تحریف قرآن برسد و ادعای وی صادق شود، باید قبل از هرچیز، این قسم آیات از قرآن حذف می‌شد تا حداقل از درون قرآن شاهدی مخالف ادعای آنان نباشد (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص۴۸-۴۹). انضمام دلایل عقلی و نقلی به آیات حفظ قرآن، استدلال محکم‌تری را بر موافقان تحریف ارائه می‌دهد و با تبیین این مسائل، حجیت و اعتبار قرآن ثابت می‌شود و به‌تبع آن، مسئلهٔ نزاهت قرآن از تحریف حل و منجر به هموار شدن مسیر استفاده از مفاهیم قرآن یعنی تفسیر میگردد (همان، ص۲۹-۳۱).

### ۳-۴. اعتقاد به حجیت ظواهر قرآن

اعتقاد استاد جوادی آملی به عدم انحصار فهم قرآن به معصومین علیهم‌السلام در بحث حجیت ظواهر الفاظ قرآن، از دلایل عقلی و نقلی متعددی استنباط می‌شود (همان، ص۸۶). طبق دلایل عقلی، اگر اساس قرآن، رمز بین خدا و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله باشد و دسترسی به مطالب آن مقدور دیگران نباشد، نمی‌تواند میزان عرضه و معیار ارزیابی احادیث قرار گیرد. از مهم‌ترین دلایل نقلی می‌توان به عمومی بودن زبان قرآن، حدیث شریف ثقلین، روایات عرض اخبار و سیرهٔ عملی امامان علیهم‌السلام در ارجاع مخاطبان خویش به قرآن اشاره کرد (همان، ص۹۰-۹۲).

### ۴-۴. اعتقاد به وجود ظاهر و باطن در قرآن

اعتقاد مفسر به مبحث باطن قرآن مبتنی بر روایات شریف متعدد، دال بر ذووجوه بودن قرآن است (همان، ۱۳۸۶ب، ج۱، ص۳۷۲). فهم ظاهر و باطن قرآن بر این مطلب استوار است که قرآن، حبل الهی است که از مقام «لدن» تنزیل (نمل:۶) و در کسوت لفظ عربی مبین (شعراء:۱۹۵) درآمده است و همگان با تلاوت یا استماع و نیز با تعقل، از آن بهره‌مند می‌گردند (زخرف:۴). از سوی دیگر، طرح مباحثی چون لطافت و اشارات در این تفسیر با تأسی از روایت «کتاب الله علی اربعه اشیاء: علی العباره و الاشاره و اللطائف و الحقایق» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج۸۹، ص۲۱)، تأییدی دیگر بر ادعای اعتقاد مفسر بر این مبناست (جوادی آملی، ۱۳۸۶ب، ج۱، ص۲۲)؛ بدین‌ترتیب که سه مرحلهٔ نخست، ناظر به ظاهر قرآن است و تنها مرحلهٔ چهارم، مختص به باطن آن است. بنابراین هرکس به میزان استعداد خود از قرآن بهره می‌برد تا به مقام مکنون آن منتهی شود که تنها پیامبر اکرم ﷺ و اهل‌بیت ایشان علیهم‌السلام به آن راه دارند (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج۲۷، ص۱۳۱).

### ۴-۵. اعتقاد به جهانی بودن زبان قرآن

اعتقاد مفسر بر جهانی بودن زبان قرآن، مبتنی بر دو ویژگی جهانی بودن زبان فطرت و شیوه تبیین معارف قرآن است. ویژگی اول بدان معناست که مخاطب زبان قرآن، همان فطرت انسانی پایدار و تغییرناپذیر است و تعدد زبان، نژاد، اقلیم، عادات و آداب و دیگر عوامل گوناگون بیرونی، مقهور اتحاد فطرت درونی است (جوادی آملی، ۱۳۸۶ب، ج۱، ص۳۲)؛ به‌گونه‌ای که اشتراک فرهنگ آن، در چهره اجتماع دلپذیر سلمان فارسی، صهیب رومی، بلال حبشی، اویس قرنی، عمار و ابوذر حجازی به چشم می‌خورد. دلیل محکم دیگر بر مدعای جهانی بودن قرآن، استفاده از روش‌های متفاوت در تبیین معارف قرآنی، اعم از تلاوت و تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه نفوس مردم (جمعه:۲)؛ حکمت، موعظه و جدال احسن (نحل:۱۲۵) و حتی انذار (انعام:۶) است که خود گویای این مطلب است که خداوند باوجود فرهنگ مشترک فطری در انسان‌ها، مراتب هوشمندی مخاطب از ساده‌نگر تا ژرف‌اندیش را در نظر گرفته است.

### ۴-۶. استقلال قرآن در حجیت و تبیین معارف

مفسر معتقد است که چون قرآن کلام خدای سبحان است و حجیت آن ذاتی است، بنابراین

محصول تدبر در آن و جمع‌بندی آیات متناسب آن با یکدیگر، حجت است (جوادی آملی، ۱۳۸۶ب، ج۱، ص۶۳). این مطلب را دلایل بسیاری تأیید می‌کند؛ ازجمله:

الف) قرآن نور است (مائده:۱۵). هم روشن است و هم روشنگر غیر خویش است.

ب) بسیاری از معارف قرآنی، بالأخص ابهام موجود در آیاتی که مبین حدود قیود و قرائن هستند، با ضمیمه کردن دو یا چند آیه برطرف می‌شوند.

ج) از صفات قرآن کریم ﴿تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ﴾ است و این صفت بیانگر این معناست که قرآنی که تبیان همه چیز است، پس تبیان خویش نیز است.

د) آیه ﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ (نساء:۸۲) از آیاتی است که با دعوت عمومی به تدبر در قرآن، فهم عمومی آن را ثابت می‌کند و از بهترین شواهد استقلال قرآن در حجیت و تبیین معارف می‌باشد.

هـ) منهج تفسیری اهل‌بیت علیهم‌السلام نیز بر حجیت استقلالی قرآن استوار بوده است؛ به‌گونه‌ای که در داوری‌ها و پرسش‌های تفسیری، آیات قرآن را به یکدیگر ارجاع می‌دادند.

و) سیرهٔ فقها و اصولیان در استنباط احکام فقهی از آیات الاحکام در مطلق و مقید، عام و خاص و نیز روش عقلا در سنجش آثار نوشتاری یا گفتاری نویسندگان چنین است (جوادی آملی، ۱۳۸۶ب، ج۱، ص۶۹-۷۳). بر اساس مطالب پیش‌گفته، برخی از آیات قرآن، بالأخص غرر آیات، همه مواد لازم را برای پی‌ریزی یک بنیان مرصوص معرفتی در خود دارند و برخی دیگر تنها عهده‌دار بخشی از این مواد هستند، که آیات دستهٔ دوم با استفاده از دستهٔ اول تبیین می‌شوند (همان، ج۱، ص۶۱ و ۲۷۰).

### ۷-۴. اعتقاد به جری و تطبیق در قرآن

جری قرآن در اصطلاح مفسران عبارت است از: انطباق الفاظ قرآن بر غیر آنچه آیه در مورد آن نازل شده است (فاکر میبدی، ۱۴۲۸، ص۳۰۱). جری از مباحث تعیین‌کننده در روایات تفسیری است. بعضی از مفسران، جری قرآن را عموم لفظ و خصوص سبب دانسته‌اند (حسینی، ۱۳۸۰، ص۱۹۳). مفسر در یک تقسیم‌بندی، روایات را دو نوع می‌داند: «روایات تفسیری و روایات تطبیقی». ایشان در توضیح گونه اخیر به دلایلی تمسک جسته‌اند؛ ازجمله: الف) قرآن کتابی جهانی و جاودانه

و قابل انطباق با هر زمان و مکان است. ب) ائمه معصومین علیهم‌السلام پایه‌گذار چنین امری دربارهٔ قرآن‌کریم بوده‌اند؛ لذا ایشان چنین نتیجه می‌گیرد که «این گونه روایات، بر فرض صحت و تمامیت سند و جهت صدور، هرگز گسترهٔ شمول و عموم معنایی آیه را محدود نکرده است، دست مفسر را در تطبیق آیه بر سایر مصادیق آن نمی‌بندد و مفسر را در ارائهٔ معنایی کلی راهنمایی می‌کند». همچنین ازنظر ایشان در برخی موارد، مصداق آیه، منحصر و محدود است و قانون جری و تطبیق در خصوص آنها راه ندارد؛ مانند آیهٔ ولایت (مائده:۵۵)، آیهٔ مباهله (آل‌عمران:۶۱) و آیهٔ تطهیر (احزاب:۳۳). شاید بتوان گفت که قبول این مبنا در نظر آیت‌الله جوادی آملی که فهم معارف دین را در گرو همسانی و همتایی ثقلین (ثقل اکبر و ثقل اصغر) می‌داند، ثقل اکبر، فهم هر آیه به تنهایی و هم در کنار آیات دیگر قرآن است (جوادی آملی، ۱۳۸۶ب، ج۱، ص۱۶۷).



## ۵. قواعد تفسیریِ تفسیر تسنیم

قاعده در لغت به معنای نشستن و نیز به معنای پایه‌بنیاد است. این واژه از اضداد می‌باشد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج۳، ص۳۵۷) و در اصطلاح به قانون کلی که قابل انطباق بر جزئیات و منشأ استنباط و مبنای قوانین دیگر باشد، اطلاق می‌شود (فاکر میبدی، ۱۴۲۸، ص۳۳). اما معنای اصطلاحی قاعده تفسیری در علم تفسیر عبارت است از: ضوابطی کلی که مفسر در تلاش تفسیری خویش باید آن را رعایت کند و در چهارچوب آن به تفسیر بپردازد. از مهم‌ترین فواید آن می‌توان به این نکته اشاره کرد که در مواردی مفسر، متناسب با مبانی فکری خویش در مراجعه به قواعد تفسیری، بر سر دو راهی قرار می‌گیرد (رجبی، ۱۳۸۵، ص۴) و به صحت هیچ کدام یقین ندارد. در این گونه موارد، قواعدی وجود دارد که گزینش یکی از آنها برای مفسر مرجح می‌شود (شاکر، ۱۳۸۲، ص۴۳). از قواعد تفسیری به‌کاررفته در تفسیر تسنیم می‌توان به موارد مختصری اشاره کرد:

### ۵-۱. بهره‌گیری از علوم ادبی در تبیین معانی آیات

#### ۵-۱-۱. تبیین معانی الفاظ با استفاده از لغت

مفسر تفسیر تسنیم، در تبیین معنای الفاظ آیات، از روش‌های متنوع زیر بهره می‌گیرند:

الف) خود به بیان معنای لغوی الفاظ آیه می‌پردازند: به‌عنوان مثال، کلمه «امیون» در آیه

﴿وَمِنْهُمْ أُمِّيُّونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ﴾ (بقره:۷۸) را چنین معنا کرده‌اند: «امیون به معنای منسوب به ام یا ام‌القری یا امه العرب یا امت به معنای خلقت است».

ب) از فرهنگ‌های لغت استفاده می‌کنند. برای نمونه، در معنای لغوی کلمه اسم در عبارت «بسم الله الرحمن الرحیم»، از فرهنگ‌های مختلف اقرب الموارد و آرای کوفیان و بصریان استفاده برده‌اند.

ج) گاه به قول مفسران لغوی رجوع می‌کنند. در مثال اخیر، معنای لغوی کلمه اسم را از قول راغب و برخی مفسران دیگر نقل می‌کنند.

د) گاه به نقد اقوال لغت‌شناسان می‌پردازند. مثلاً در معنای لغوی دو کلمه رحمان و رحیم آورده است که «فرهنگ‌های لغت، برای رحمت، معانی فراوانی ذکر کرده‌اند؛ درحالی‌که اولاً اینها مراحل پیشین رحمت است نه خود آن. ثانیاً معانی مذکور، ویژگی مصداقی از مصادیق رحمت است که در آدمی حادث می‌گردد. اما رحمتی که به ذات اقدس خداوند اسناد داده می‌شود، منزه از هرگونه انفعال و تأثر است».

هـ) گاه به تبیین فرق‌های معنای کلمه با مرادفش و کاربرد قرآنی آنها می‌پردازند؛ همچون تفاوت دو واژهٔ حمد و شکر (جوادی آملی، ۱۳۸۶ب، ج۱، ص۳۲۹).

### ۵-۱-۲. بهره‌گیری از صرف و نحو ادبیات عرب

ایشان تأثیر صرف و نحو و علت صرفی و نحوی الفاظ را به منظور تبیین معنای آیه بیان می‌کنند. به‌عنوان‌مثال در آیه ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ (حمد:۵)، ایاک ضمیر منفصل مفعولی است که برای افاده حصر بر فعل خود، نعبد مقدم شده است که این نکته را ملحوظ می‌کند که تقدیم معبود بر عابد و عبادت موجب می‌شود که نه عابد و نه عبادت او دیده شود تا از گزند تثلیث در مشهود و تنبیه در آن پرهیز شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶ب، ج۱، ص۳۲۹ و ۴۱۵).

### ۵-۱-۳. توجه به وجوه بلاغی آیات

هرچند ایشان معتقدند که قانون تشبیه، استعاره، مجاز مرسل و سایر صنعت‌های معانی بیان و بدیع در عین قبول آنها، هرکدام دارای محدودهٔ ویژه است، اما چون خداوند سبحان با صنعت ادبی ویژهٔ وحی، سطح ادبیات عرب را ارتقا داد و با شواهد و قرائن خاص، ظرفیت آن را توسعه

بخشید، پس تفهیم اصل مطلب فراطبیعی، زمینهٔ توسعهٔ فرهنگی و افزایش ظرفیت لغت و تطور تکاملی واژگان را فراهم می‌کند. نمونه‌ای در این راستا، آیه ﴿أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (بقره:۱۳) است. «ألا» حرف تنبیه و برای آگاه ساختن مخاطب بر تحقق خبری مهم است که پس از آن می‌آید. «ألا» مرکب از همزهٔ استفهام و لای نفی است. بنابراین این ترکیب، مفید حصر است؛ چنان‌که رابطه عکس آن در مؤمنان، مفید حصر است. بدین معنا که پاسخ منافقان در برابر امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر، نشانه راز حصر هدایت قرآن در متقین است؛ زیرا منافقان همانند کافران، اصولاً هدایت را درست نمی‌دانند و چنین بینشی راه نفوذ هدایت قرآن را بر آنان می‌بندد (جوادی آملی، ۱۳۸۶ب، ج۱، ص۲۱۰-۲۱۶).



### ۲-۵. پاسخ به شبهه‌های روز ذیل برخی از آیات

در عصر کنونی نیز سؤالات نوپدید، رجوع به قرآن را همانند اعصار پیشین می‌طلبد (همان، ص۲۳۸). ازجمله شبهات این عصر که مفسر ذیل آیهٔ ۱۱۳ سورهٔ بقره به رفع آن پرداخته، مسئله پلورالیسم یا همان وحدت و کثرت دین است. دین حقیقی واحد (شوری:۱۳) و نجات آدمیان در پیروی از دین واحد است و همه انبیا نیز مردم را به همان دین واحد دعوت کرده‌اند و این واحد به‌تدریج به کمال خود رسیده و در قالب دین پیامبر خاتم ﷺ ظهور کرده است (بقره:۱۳۶). براین‌اساس استنتاج می‌شود که در فرهنگ قرآن، کثرت ادیان مطرح نیست تا سخن از حقانیت یا نجات‌بخشی همه آن ادیان یا منحصر کردن حقانیت یا نجات در دین خاص به میان آید و اگر سخن از لزوم ایمان به دین پیامبر خاتم ﷺ و نجات در پرتو دین آن حضرت به میان می‌آید از این جهت است که عقل آدمی حکم می‌کند که انسان، قانون کامل را به کناری ننهد و از قانون ناقص پیروی نکند. انسان‌ها باتوجه‌به جامعیت و کمالیت اسلام محمدی، فقط باید از آن پیروی کنند؛ زیرا مقتضای تسلیم خدا بودن، چیزی جز این نیست که در برابر الزام خداوند، مطیع بود (جوادی آملی، ۱۳۸۶ب، ج۸، ذیل آیه ۱۱۳ بقره).

### ۳-۵. استفاده از علم اسباب نزول در محدوده خاص

قرآن، کتاب جهان‌شمول و جاودانه است و ازآنجاکه نزول یک یا چند آیه از قرآن باتوجه‌به

حوادثی بود که در عصر پیامبرﷺ در محدوده حجاز یا حوالی آن رخ داده است، ازاین‌رو آشنایی با شأن نزول‌های معتبر، از قواعد تاثیرگذار تفسیری به شمار می‌رود (همان، ج۱، ص۲۳۵). درنتیجه می‌توان به‌وضوح نظر ایشان را در برخورد با روایات شأن نزول متفاوت یافت.

### ۱-۳-۵. تأیید محتوایی متن روایات شأن نزول

آیت‌الله جوادی آملی در شیوهٔ ابتکاری نگارش تسنیم هم‌زمان با تأیید سندی روایت، به تأیید محتوایی آن نیز می‌پردازند. به‌عنوان‌مثال ذیل آیهٔ ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ﴾ (بقره:۲۱۷) آمده است: «این شأن نزول، با اندکی تفاوت در بسیاری از کتاب‌های تفسیری و روایی شیعه و سنی آمده است که درستی اصل جریان را ثابت می‌کند» و در ادامه، ضمن تأیید محتوایی آن می‌افزاید: «شأن نزول آیه، در خصوص سؤالات مردم از جهاد در ماه‌های حرام در جریان پیش از جنگ بدر است» (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰، ج۱، ص۱۹۲). آیه علی‌رغم حکم فقهی حرمت قتال، پاسخ‌گوی استفتای مسلمانان و نیز پاسخ جدلی مشرکان به جدال احسن می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج۹، ذیل آیه ۱۸۷سوره بقره).

### ۲-۳-۵. نقد محتوایی روایات شأن نزول

مفسر گاهی با استناد به متن روایات، فحوای روایات را با بهره‌گیری از آیات قرآن مورد نقد قرار می‌دهد. به‌عنوان‌مثال در شأن نزول آیهٔ ۹۸ سوره بقره از ابن‌عباس چنین آمده است که «گروهی از یهودیان، از پیامبرﷺ در مورد آورنده وحی پرسیدند. حضرت فرمودند: جبرئیل. بزرگ آنان گفت: اگر میکائیل پیام‌رسان می‌بود به شما ایمان می‌آوردیم، ولی جبرئیل چون برای ما حامل دستورات سختی و جنگ است، پس او دشمن ما و ما دشمن او هستیم» (همان، ج۱، ص۳۲۲). مفسر در نقد محتوایی این روایت می‌افزایند: «اسرائیلی‌های بهانه‌گیر (مائده:۱۳) برای توجیه دشمنی خویش با اسلام، گاهی عبری و عربی، زمانی بنی‌اسحاق و بنی‌اسماعیل و گاهی جبرئیل و مکائیل را بهانه قرار می‌دادند و عداوت مستور خویش را ظاهر می‌کردند» (همان، ج۵، ص۵۹۰).

### ۳-۳-۵. تفصیل روایات شأن نزول توأم با تأیید ضمنی آنها

مفسر در برخی موارد باوجود اینکه روایت شأن نزولِ مطرح‌شده در مورد آیه را معتبر می‌داند، به تبیین وجوه دیگر از آن نیز می‌پردازد؛ مانند آنچه در شأن نزول آیه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي

نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ﴾ (بقره:۲۰۷) رسیده است: الف) به تواتر روایت شده که این آیه شریفه در جریان لیله المبیت نازل شده است. ب) بر فرض تعدد اسباب نزول، ممکن است برخی از آن مصادیق، افضل از مصداق‌های دیگر باشد. ج) انطباق آیه مورد بحث بر جریان حضرت علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام نظیر تصدیق خداوند نسبت به رؤیای صادق حضرت ابراهیم علیه‌السلام می‌باشد. نتیجه اینکه طبق این روایت، آیه مورد بحث عام است؛ زیرا سبب نزول مخصص یا مقید نیست. تصریح به اطلاق یا عموم آیه، منافی با نزول آن در شأن علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام نیست؛ اگرچه برخی از مفسران نیز آیه را در شأن ابوذر یا مهاجران و انصار یا هر مجاهدی دانسته‌اند که در راه خدا بجنگد. باید توجه داشت که این گونه نقل‌ها تنها در حد تطبیق مصداق است نه تفسیر مفهومی (جوادی آملی، ۱۳۸۶ب، ص۱۱، ذیل آیهٔ ۲۳۱ بقره). در تمام موارد یادشده، مفسر تفسیر تسنیم، شمول عام آیه را باوجود شأن نزول پذیرفته است (همان، ج۱، ص۲۳۲).



### ۴-۵. توجه هم‌زمان به روایات در کنار آیات

ایشان ابتدا به بحث قرآنی آیات می‌پردازند و سپس در جهت توجه به حدیث متواتر ثقلین و وابستگی ثقل اصغر به ثقل اکبر، به سراغ روایات رفته و به جمع‌بندی روایاتی که با آیه مزبور مرتبط است پرداخته‌اند تا در محدوده ثقل اصغر، پیام آن به‌روشنی دریافت شود و آنگاه با ضمیمه آن به ثقل اکبر، مجموعه هماهنگی به دست آید که سخن اسلام باشد (همان، ص۱۳۱). برای نیل به این مهم، از موارد ذیل بهره برده‌اند:

الف) شرح روایات: گاهی استاد ذیل روایت وارده در مورد آیه مورد بحث هیچ سخنی از بحث سندی روایت نمی‌کنند، بلکه فقط روایت را شرح می‌دهد؛ مانند روایتی از امام رضا علیه‌السلام در معنای «اسم» در ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ آمده است که منظور از آن «علامت» می‌باشد.

ب) تأیید ضمنی محتوای روایات، صرف‌نظر از بحث سندی آن: ازجمله نمونه‌های آن می‌توان به تبیین واژه «الصَّلَوةَ» در آیه ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾ (بقره:۴۳) اشاره کرد. منظور از «صلوه» به نقل از امام حسن عسکری علیه‌السلام، اقامه نماز بر طبق آن چیزی است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آن را آورده است. با غمض از سند این حدیث، مقصود از اقامه نماز و سایر اوامر الهی در این آیات، بعد از امر به ایمان به قرآن، پذیرش نبوت رسول گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله آمده است (جوادی آملی، ۱۳۸۶ب، ج۴، ص۱۳۲).

ج) عرضه روایات به قرآن: مفسر در بعضی از روایات، با اغماض از سند آنها، تصریح به عرضه ایـن روایـات به قرآن می‌کند؛ مانند عصمت پیامبران (بقره:۵۶). در مجلس مناظره مأمون، از امام رضا علیه‌السلام نقل گردیده است که چگونه موسی علیه‌السلام معصوم است؟ حال آنکه در تقاضای خویش در کوه طور، درخواست قوم را بیان نکرد؛ بلکه بیان داشت که خدایا! خود را به من نشان بده. بیان استاد در مورد این روایت چنین است: «با غمض نظر از سند و با صرف‌نظر از تعارض این حدیث با سایر احادیث این باب، آنچه به‌عنوان دستور صادر شد، مطابق با تقاضای قوم حضرت موسی نبود؛ زیرا آنان خواهان رؤیت خودشان بودند، ولی حضرت کلیم‌الله نظر خود را مطرح کرد؛ یعنی به خداوند عرض کرد: «خودت را به من بنمایان تا من به‌سوی تو نظر کنم» و اگر خواسته‌های حضرت کلیم‌الله انجام می‌شد، تقاضای قوم او همچنان به‌جای خود محفوظ می‌ماند؛ زیرا اگر خداوند خود را به حضرت موسی ارائه می‌کرد و کلیم‌الله به‌سوی ذات الهی نگاه می‌کرد، مشکل قوم آن حضرت را حل نمی‌کرد و اگر سؤال حضرت موسی برای قوم آن حضرت بود، مناسب بود به خدا عرض کند: «رب ارهم ینظروا الیك» (جوادی آملی، ۱۳۸۶ب، ج۴، ص۵۲۸).

د) نقد اجمالی سند: نمونه مورد اشاره در این زمینه، روایتی از امام صادق علیه‌السلام دربارهٔ پیشینهٔ آفریدگان و زمینه آفرینش انسـان اسـت (بقره:۳۰) مبنی بر سؤال سائل در مورد پیشینهٔ زمین و عمر مابقی آن که چند سـال اسـت و امام پاسـخ می‌دهند. آیت‌الله جوادی آملی در راستای نقد اجمالی سـند احادیـث، مسـائل دین را بـه دو بخش معارف اعتقـادی و احکام عملی تقسـیم می‌کنند. در احکام عملی که جای تعبد و عمل است، افزون بر قطع و اطمینان، مظنّه خاص نیز راهگشاست. بنابراین، کلامِ معصومین علیهم‌السلام حتی اگر به‌صورت «خبر واحد» باشد و همراه با قرائن قطع‌آور نباشد، در مسـائل عملـی و فرعـی، حجت تعبدی اسـت؛ چه در احکام الزامی (وجـوب و حرمت) و چه در احکام غیرالزامی (استحباب وکراهت). اما حجیت اقوال معصومین علیهم‌السلام در بخش معارف اعتقادی که تعبدی نیسـتند، با ظن و گمان اعتبار نمی‌یابند؛ بلکه باید در آن به قطع و یقین دسـت یافت تا نفس آرام گیرد و آن را بپذیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۶ب، ج۱، ص۱۵۶).

و) تصریح به صعوبت اثبات سند و صحت متن روایات: ازجمله روایاتی که ایشان به صعوبت در اثبـات سـند و متـن آن تصریـح می‌کنند، روایت شرکت پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل‌بیت علیهم‌السلام در بازسـازی

کعبه است. مفسر در ذیل آیه ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ﴾ (بقره:۱۲۷) می‌افزاید: «هدایت رسول اکرم ﷺ و شرکت آن حضرت در کیفیت نصب حجرالاسود، در جوامع روایی شیعه و سنی نقل شده و با سنت حسنه وی که دعوت به اتحاد و پرهیز از اختلاف و رجوع از تکاثر و تشتت‌گرایی به کوثر وحدت و انسجام‌گرایی است، تناسب کامل دارد. در ثانی، بنای کعبه از آلات ساختمانی حلال و غیرمسبوق به ملکیت انسان‌ها هم با طهارت بیت خدا مناسب و هم با عتیق بودن آن؛ زیرا هم عرصه آن از ملکیت آزاد بوده و هست و هم اعیان آن طلق محض و حرّ صرف بوده و هست. البته اثبات این خصوصیت‌ها حتی بعد از احراز سند آسان نیست» (جوادی آملی، ۱۳۸۶ب، ج۷، ص۴۹).



## ۶. روش تفسیری مفسر

روش تفسیری عبارت است از مستنداتی که مفسر بر اساس آن، ایده و مفهومی را که خود ساخته و پرداخته است، به‌عنوان تفسیر و مقصود کلام الهی معرفی می‌کند و برای کشف معانی از الفاظ قرآن، ربط الفاظ به یکدیگر و نیز برای کشف دلالات و احکام قرآنی، از آن مستند یا مستندات پیروی می‌کند (رجبی، ۱۳۸۵، ص۲۵). باتوجه به آنچه در مبانی تفسیری آیت‌الله جوادی آملی آمد، ملاحظه می‌شود که ایشان استقلال قرآن در حجیت و تبیین معارف و نیز تبیین آیات به‌وسیله آیات دیگر را قبول دارند.

خلاصه دلایلی که ایشان در این زمینه بدان استدلال می‌کنند به شرح ذیل است:

الف) برخی اوصاف قرآن‌کریم مانند: ﴿نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ﴾ (مائده:۱۵) و ﴿تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ﴾ (نحل:۸۹) و «نفی اختلاف از سراسر آن و ادعای هماهنگی و یکسانی در سراسر آن که بهترین شاهد و دلیل بر صحت استقلال قرآن در حجیت و بیان معارف است» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج۱، ص۶۵-۶۷) و ﴿مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ﴾ (زمر:۲۳)

ب) سیرهٔ تفسیری اهل‌بیت علیهم‌السلام در داوری‌ها، احتجاج‌ها و پاسخ پرسش‌های تفسیری به‌گونه‌ای بوده است که آیات را به یکدیگر ارجاع می‌دادند و با سایر آیات قرآن، آیه موردنظر خود را تفسیر می‌کردند. برای مثال، امام جواد علیه‌السلام با ضمیمه کردن آیه شریفه ﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ﴾ (جن:۱۸) به آیهٔ ﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا﴾ (مائده:۳۸)، حد سارق را قطع انگشتان دست دانسته‌اند.

ج) سیرهٔ عقلا در استفاده از آثار نوشتاری، تأیید یا نقض مطالب با برخی دیگر از همان اثر می‌باشد.

د) مؤیدِ دلیل دوم، حدیث شریف ثقلین است که عترت را همتای قرآن معرفی کرده است. بنابراین، سنت آنها در تبیین آیات قرآن ضروری است؛ طوری که روایات آنها در حجیت و تأیید محتوا وابسته به قرآن است.

ازنظر ایشان، تبیین آیات قرآن درصورتی‌که بتوان گفت حرف اسلام است، در پنج مرحله صورت می‌گیرد:

یک ـ فهم آیهٔ موردنظر با قطع نظر از سایر آیات قرآن به‌طوری‌که بتوان گفت مفاد این آیه با قطع نظر از آیات دیگر چنین است.

دو ـ تفسیر آیهٔ موردنظر با استفاده از آیات دیگر؛ زیرا آیات قرآن کریم مفسر و مصدق یکدیگر هستند: «ینطق بعضه ببعض و یشهد بعضه علی بعض».

سه ـ جمع‌آوری تمام روایاتِ شأن نزول، تطبیق و تفسیر مرتبط با آیهٔ مورد بحث، که برای رسیدن به پیام ثقل اصغر صورت می‌گیرد.

چهار ـ عرضه روایات جمع‌آوری‌شده بر قرآن تا در صورت نداشتن مخالفت تباینی با قرآن، قرینه و شارح در دامنهٔ قرآن کریم قرار گیرد.

پنج ـ در صورت هماهنگی پیام ثقل اصغر با ثقل اکبر، جمع‌بندی نهایی کرده و سخن اسلام به دست آید. از جمع‌بندی مطالب فوق نتیجه می‌شود که آیات قرآن مبین همدیگرند و سنت تأییدشده به‌وسیلهٔ قرآن در امر تفسیر، جدا از تفسیر قرآن با قرآن نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۶ب، ج۱، ص۴۴، ۶۹ و ۱۶۱). این همان مطلبی است که از مبانی تفسیری ایشان استظهار می‌شود که با انضمام قواعد منتج از آنها می‌توان گفت که روش تفسیری آیت‌الله جوادی آملی در تفسیرشان، تفسیر قرآن به قرآن است. در این تفسیر، مستقیم به آیات الهی نگریسته شده است تا تفسیر قرآن به قرآن محقق گردد. سپس به کلام عترت و روایات ائمه علیهم‌السلام در کنار آیات توجه می‌شود تا هم در فهم معنای تفسیری مفسر راسخ‌تر بیندیشد، هم هماهنگی و تصدیق دوجانبه را احساس کند تا از تحمیل روایات پرهیز شود و محدوده اندیشه در مفاهیم قرآنی بسته نشود (همان، ص۱۶۱).

## ۷. نتیجه‌گیری

روش‌شناسی تفسیر تسنیم بر اساس مبانی و قواعد قابل استنتاج از مبانی و تأثیر آنها بر روی تفسیر به شرح ذیل می‌باشد: اعتقاد به اعجاز قرآن، اعتقاد به مصونیت قرآن از تحریف، اعتقاد به حجبیت ظواهر قرآن، اعتقاد به ظاهر و باطن برای قرآن، اعتقاد به جهانی بودن قرآن، اعتقاد به تفسیرپذیری آیات قرآن به‌وسیله آیات دیگر و اعتقاد به جری و انطباق در قرآن. اما قواعد منتج از آن شامل موارد ذیل است: گزیده تفسیر به‌جای ترجمه آیات، بهره‌گیری از علوم ادبی در تبیین آیات، پاسخ به شبهات روز ذیل بعضی از آیات، عموم لفظ و خصوص سبب و هم‌سویی قرآن و عترت در قرآن. آنچه از ماحَصَل مبانی و قواعد تفسیری تسنیم برآمد، به‌وضوح به تبیین روش تفسیری مفسر می‌پردازد. روشی که تمام قرآن، خود مبین و مفسر خویش است و این روش، همان روش تفسیر قرآن با قرآن است که در تفسیر تسنیم به وفور به چشم می‌خورد.

## فهرست منابع


قرآن کریم، ترجمه: محمدمهدی فولادوند.

### الف) فارسی

۱. بابایی، علی‌اکبر (۱۳۷۹ش)، روش‌شناسی تفسیر قرآن، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴ش)، نزاهت قرآن از تحریف، چاپ دوم، قم: نشر اسراء.

۳. ـــــــــ (۱۳۸۶ش ـ ب)، تفسیر تسنیم، چاپ ششم، قم: نشر اسراء.

۴. ـــــــــ (۱۳۸۶ش ـ الف)، تفسیر موضوعی قرآن کریم (قرآن در قرآن)، چاپ ششم، قم: نشر اسراء.

۵. حسینی، سیدشهاب‌الدین (۱۳۸۰ش)، نگاهی نو به تفسیر المیزان، چاپ اول، قم: نورگستر.

۶. حیدری‌فر، مجید (۱۳۸۹ش)، «ویژگی ممتاز تفسیر تسنیم؛ ارائه راهبردهایی برای حکومت دینی است»، گفت‌وگو با خبرگزاری ایکنا، کد خبر: ۲۰۵۳۵۱۹.

۷. رجبی، محمود (۱۳۸۵ش)، روش تفسیر قرآن، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۸. شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۲ش)، مبانی روش‌های تفسیری، چاپ اول، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.

۹. قرشی، علی‌اکبر (۱۳۷۵ش)، قاموس قرآن، چاپ سوم، تهران: دار الکتب.

۱۰. مدبر اسلامی، علی (۱۳۹۶ش)، «مدرسه تفسیری علامه جوادی آملی»، دوفصلنامه تخصصی علوم قرآن و تفسیر معارج، سال سوم، ش۱، ص۵-۲۹.

۱۱. مرکز نشر اسراء (۱۳۸۱ش)، مهر استاد؛ سیره علمی و عملی استاد جوادی آملی، قم: نشر اسراء.

### الف) عربی

۱. ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.

۲. بلاغی نجفی، محمد جواد (۱۴۲۰ق)، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: بنیاد بعثت.

۳. حر عاملی، محمدبن‌حسن (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

۴. سمرقندی، علاءالدین (۱۴۰۵ق)، تحفة الفقها، بیروت: دار الکتب العلمیه.

۵. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۱ق)، الاتقان، بیروت: دار الکتاب العربی.

۶. طبرسی، فضل‌بن‌حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.

۷. فاکر میبدی، محمد (۱۴۲۸ق)، قواعد التفسیر لدی الشیعه و السنه، تهران: الجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه، المعاونیه الثقافیه، مرکز التحقیقات و الدراسات العلمیه.

۸. کلینی، ابوجعفر محمد (۱۳۶۵ش)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء.

۱۰. مصطفوی، حسن (بی‌تا)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.